اولین روزنامه سهامداری ایران (خبرنگاران و کارکنان)

صمت
صنعت معدن تجارت

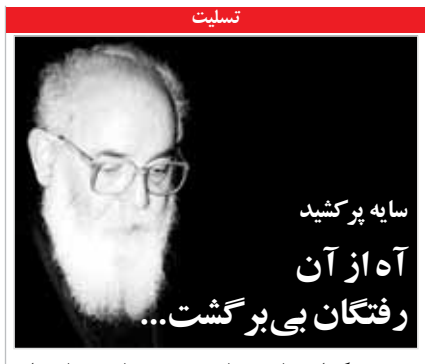
پنجشنبه
• ۲۰ مرداد ۱۴۰۱
• ۱۳ محرم ۱۴۴۴
• ۱۱ اوت ۲۰۲۲

• سال سی‌ودوم شماره پیاپی ۳۴۴۰ • دوره جدید سال نهم شماره ۲۱۲۲ • ۴ صفحه • قیمت: ۵۰۰۰ تومان

www.smtnews.ir - http://Telegram.me/smtnews



تسلیت



هوشـنگ ابتهـاج، شـاعر شـهیر معاصـر، بامـداد چهارشنبه، ۱۹ مرداد درگذشت.

هوشنگ ابتهاج متخلص به «سایه» در سال ۱۳۰۶ در رشـت متولد شد و در ۲۰ سالگی نخستین کتابش با نام «نخستین نغمه‌ها» را منتشر کرد.

تصنیف مشـهور «سـپیده» که با عنوان «ایران ای سرای امید» شناخته می‌شود، از سروده‌های ابتهاج بود که با آهنگسـازی محمدرضا لطفی و صدای محمدرضا شجریان ماندگارتر شد.

«سراب»، «سیاه مشـق»، «بانگ نی» و «حافظ به سـعی سـایه» از جمله آثار چاپ‌شـده مرحوم ابتهاج است.

هوشـنگ ابتهاج، چندی قبل در بیمارستان بستری شده بود.

شبم از بی‌ستارگی، شب گور
در دلم پرتو ستاره دور
آذرخشم گهی نشانه گرفت
گه تگرگم به تازیانه گرفت
بر سرم آشیانه بست کلاغ
آسمان تیره گشت چون پر زاغ
مرغ شبخوان که با دلم می‌خواند
رفت و این آشیانه خالی ماند
آهوان گم شدند در شب دشت

آه از آن رفتگان بی‌برگشت...

بانک‌ها به زیرمجموعه‌های یکدیگر تسهیلات می‌دهند

از این جیب به آن جیب

براسـاس اطلاعات ارائه‌شـده ازسـوی بانک مرکزی، ۱۰ بانک کشور، طی سال مالی گذشته حدود ۱۰۰ هزار میلیارد تومان به شرکت‌های زیرمجموعه و اشخاص مرتبط با خود وام داده‌اند. این بانک‌ها با تاسیس شرکت‌های سرمایه‌گذاری، آشکارا اقـدام به بنگاهداری می‌کنند و به‌جای پرداخت وام به مردم یا تسـهیلات‌دهی و تامین سرمایه در گردش مراکز تولید، منابع در اختیار را در شرکت‌های زیرمجموعه خود برای سـودآوری حداکثری به‌کار می‌گیرند. این رویکرد سیستم بانکی بیانگر آن است که بانک‌ها در شرایط کنونی اقتصاد با نرخ تورم ۵۲ درصدی، نمی‌خواهند منابع در اختیار به نفع عده‌ای در قالب تسـهیلات از سیسـتم بانکی خارج شود و ترجیح آن اسـت که منابع در بخش‌های سودآور به‌نفع بانک سرمایه‌گذاری شود. در آشـفته‌بازار اقتصاد همین اقدام برخی بانک‌ها گواه این مدعاسـت که نظارت بانک مرکزی بر سیسـتم بانکی کشـور ضعیف اسـت و هنوز اصلاح ساختار نظام بانکی که از سال گذشته کلید خورده، به سرانجام نرسیده است. ۲



عکس: صمت

جولان موتورسیکلت‌های بدون معاینه فنی در شهر

کنکاش در هزارتوی آلودگی هوا

۴

آگهی پرداخت سود سهام

شرکت فولاد مبارکه اصفهان (سهامی عام)

به شماره ثبت ۷۸۴۱ و شناسه ملی ۱۰۲۶۰۲۸۹۴۶۴

مربوط به عملکرد سال مالی منتهی به ۱۴۰۰/۱۲/۲۹

شـرکت فولاد مبارکه اصفهان (سـهامی عام) پرداخت سـود سـهامداران محترمی که در تاریخ مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۴۰۱/۰۵/۱۱ سهامدار این شرکت بوده‌اند را به صورت ذیل آغاز می‌نماید:

گروه سهامداران		زمان پرداخت	نحوه پرداخت
سهامدارانی که در سامانه سجام ثبت‌نام نموده‌اند		۱۴۰۱/۰۶/۲۰	واریز به‌حساب معرفی‌شده در سامانه سجام
سهامداران حقیقی (غیر سجامی)		از ۱۴۰۱/۰۸/۲۰ تا ۱۴۰۲/۰۱/۱۱	از طریق شعب بانک تجارت
سهامداران حقوقی	کمتر از ۴۰۰ میلیون سهم	از ۱۴۰۱/۱۰/۰۱ تا ۱۴۰۲/۰۱/۱۱	از طریق شعب بانک تجارت
	بیش از ۴۰۰ میلیون سهم	از ۱۴۰۱/۱۲/۰۱ تا ۱۴۰۲/۰۱/۱۱	از طریق حساب بانکی سهامدار

سهامداران حقیقی:

سود سـهام آن دسته از سهامدارانی که در سامانه سجام ثبت‌نام نموده‌اند در تاریخ ۱۴۰۱/۰۶/۲۰ به حسـاب معرفی شـده ایشـان در سـامانه سـجام واریز خواهد شـد. کلیه سـهامداران حقیقی که در سامانه سجام ثبت‌نام ننموده‌اند از تاریخ (۱۴۰۱/۰۸/۲۰) می‌توانند با مراجعه به کلیه شـعب بانک تجارت و ارائه مدارک ذیل نسـبت به دریافت سـود خـود (بصـورت نقدی) اقـدام نمایند. لازم به ذکر اسـت، وکلای سـهامدار بایستی علاوه بر مدارک ذیل، اصل و کپی وکالتنامـه و اصـل و کپی کارت ملی خـود را نیز به همراه داشته باشند.

۱) اصل کارت ملی سهامدار

۲) ارائه کدمعاملاتی «موسوم به کدبورسی»

سـود صندوق‌های سـرمایه‌گذاری همزمان با سـهامداران حقیقی(غیرسـجامی) از تاریـخ ۱۴۰۱/۰۸/۲۰ و بـا ارائه مدارک مندرج در بخش سهامداران حقوقی قابل پرداخت خواهد بود.

شرکت‌های سبدگردان:

سود سهام سـبدگردان‌ها با ارسال قرارداد سبدگردانی و اعـلام شـماره حسـاب و شـماره شـبای حسـاب بانکی، مسـتقیما از طریق شرکت و همزمان با سهامداران حقیقی (غیرسجامی) به حسـاب شرکت‌های سبدگردان پرداخت می‌گردد.

سهامداران حقوقی:

سـهامداران حقوقی با تعداد سـهام کمتر از ۴۰۰ میلیون سـهم نیز از اولین روز شـروع پرداخت سود (۱۴۰۱/۱۰/۰۱) می‌تواننـد بـا مراجعه به کلیه شـعب بانک تجـارت و ارائه مدارک ذیل نسـبت به دریافت سود خود (از طریق انتقال به حساب سهامدار) اقدام نمایند.

۱) ارائه کدمعاملاتی «موسوم به کدبورسی»

۲) نامه معرفی شـماره حساب شرکت در یکی از بانک‌های متصل به سیستم شتاب به امضای مدیران صاحب امضاء مجاز

۳) تایید کتبی شماره حساب بانکی از شعبه بانکی که در آن حساب دارند.

۴) اصل و کپی کارت ملی نماینده سهامدار

۵) تصویر آخرین روزنامه رسمی شامل آخرین تغییرات مدیران صاحب امضاء (ممهور به مهر شرکت)

* سود سـهامداران حقوقی با تعداد بیش از ۴۰۰میلیون سهم، از ۱۴۰۱/۱۲/۰۱ تا ۱۴۰۲/۰۱/۱۱ از طریق واریز به حساب سهامدار پرداخت خواهد شد.

نشانی: اصفهان، میدان آزادی، ابتدای خیابان سعادت آباد، دفتر شرکت فولاد مبارکه، واحد امورسهام و مجامع

تلفن گویا: ۰۳۱-۵۲۷۳۳۸۳۸ **نمابر:** ۰۳۱-۵۲۷۳۳۹۲۲

آدرس اینترنتی: www.msc.ir

پست الکترونیک: saham@msc.ir

هیات‌مدیره شرکت فولاد مبارکه اصفهان (سهامی عام)

بیمه سامان
Saman Insurance

حس خوب امنیـت برای شما و کارکنان‌تان

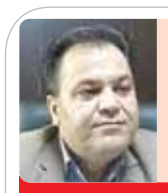
بیمه مسئولیت مدنی کارفرمـا در قبال کارکنـان سامـان



جهت کسب اطلاعات بیشتر و مشاوره رایگان می‌توانید به وبسایت شرکت بیمه سامان به نشانی WWW.Si24.ir مراجعه یا با شماره تلفن ۸۹۴۳-۰۲۱ تماس حاصل فرمایید.

یادداشت

نظارت ناکارآمد بانک مرکزی



حسین محمودی
کارشناس اقتصاد

پول ابزاری برای پیشبرد اهداف اقتصادی است؛ بنابراین باید آن را در چارچوب شرایط و ساختار اقتصادی کشور و به‌صورت بهینه استفاده کرد.

هر بانک چه دولتی و چه خصوصی دارای ترازنامه‌ای است که بیلان سالانه یعنی عملکرد مثبت یا منفی بانک‌ها طی سال مالی را نشان می‌دهد.

ترازنامه نشان می‌دهد بانک چه میزان از منابع خود را به‌صورت وام پرداخت کرده است.

بانک همیشه مقدار معینی از دارایی‌اش را نسبت به دارایی کل به‌عنوان سپرده قانونی نزد بانک مرکزی می‌گذارد.

ترازنامه نشانگر مکانیسم ایجاد پول توسط سیستم بانکی براساس سپرده قانونی است که مازاد سپرده قانونی تحت عنوان مکانیسم ایجاد پول توسط سیستم بانکی «وجوه آماده به وام» خوانده می‌شود.

بیشتر افراد تصور می‌کنند عملیات وام‌دهی بانک‌ها تاثیری بر حجم پول موجود در اقتصاد ندارد.

در واقع آنان نقش بانک‌های تجاری را محدود به واسطه‌گری می‌دانند. در این تفکر کل پول موجود در اقتصاد کشور توسط دولت به‌وجود آمده است؛ حال آنکه این تفکر اشتباه است و بخش اعظم پول موجود در اقتصاد توسط بانک‌های تجاری خلق شده؛ نه دولت یا بانک مرکزی. معنای خلق پول در دنیای امروز ما متحول شده و بیشتر نوعی اعتبار است؛ یعنی وقتی شما دارای اعتباری هستید، مردم براساس آن اعتبار، کالا و خدماتی را در اختیار شما قرار می‌دهند.

این اعتبار و خلق پول، در وهله اول توسط بانک‌های مرکزی انجام می‌شود و در مرحله دوم، در درون شبکه بانکی؛ یعنی بانک‌ها هم این امکان را دارند که خلق پول یا خلق اعتبار انجام دهند.

بر اثر سپرده‌گذاری مردم در بانک‌های تجاری و اعطای وام بانکی، در واقع بیش از یک ریال پول ایجاد خواهد شد؛ بنابراین برای خلق پول در یک اقتصاد می‌توان ضریب تکاثری‌ای مطرح کرد که براساس آن تغییرات پایه پولی منجر به تغییر حجم (عرضه) پول می‌شود.

بانک مرکزی با انتشار اسکناس یا ایجاد پول از طرق دیگر، سبب به‌وجود آمدن و به گردش افتادن مقداری پول می‌شود. آنگاه مردم یا سپرده‌گذاران بخشی از پول جدید را به‌صورت اسکناس نزد خود نگهداری می‌کنند و بقیه آن را در قالب سپرده در بانک‌های تجاری می‌گذارند.

به این ترتیب به ازای ایجاد هر واحد پول جدید توسط بانک مرکزی بخشی از آن به‌صورت سپرده‌های بانکی در اختیار بانک‌های تجاری قرار می‌گیرد.

بانک‌های تجاری نیز بخشی از سپرده‌های سپرده‌گذاران را به‌صورت ذخیره قانونی نگهداری و بقیه آن را صرف اعطای وام و اعتبار به وام‌گیرندگان می‌کنند.

اخیرا در سیستم بانکی کشور ما برخی از بانک‌های تجاری مازاد سرمایه را به‌صورت وام در اختیار زیرمجموعه‌های خود قرار می‌دهند که این‌گونه اعطای وام و اعتبار به‌معنای ایجاد یک پول جدید اعتباری است.

در حال حاضر در کل دنیا بزرگ‌ترین جرم بدون مجازات و بسیار پرمنفعت چاپ پول است که منجر به سلب مالکیت از فرد می‌شود، این در حالی است که تکنولوژی موجود در کشور برای ردیابی بانک‌های تجاری خالق پول ناپخته و بسیار خام است و این مسئله کشور را به‌سمت قهقرا سوق می‌دهد.

برای جلوگیری از خلق پول و افزایش نقدینگی اصلاح ساختار نظام بانکی کشور بسیار ضروری است.

رشد پول یا همان نقدینگی باید در یک تناسب منطقی با رشد اقتصادی باشد، نه حجم تولید؛ زیرا رشد اقتصاد به‌معنای رشد حجم تولید است.

حجم تولید در کشور در ۱۰ سال گذشته ثابت مانده و کاهش نیافته، اما میزان نقدینگی ۱۰برابر شده و همین افزایش باعث مرگ رشد اقتصاد است؛ از همین رو بانک مرکزی باید به‌طور مستقل از دولت، برای جلوگیری از خلق پول و افزایش نقدینگی وارد عمل شود تا بانک‌ها نتوانند مازاد سپرده قانونی در اثر خلق پول را در محل‌های ناصواب تسهیلات‌دهی کنند.

بانک‌ها به زیرمجموعه‌های یکدیگر تسهیلات می‌دهند

از این جیب به آن جیب

براساس اطلاعات ارائه‌شده ازسوی بانک مرکزی، ۱۰ بانک کشور، طی سال مالی گذشته حدود ۱۰۰ هزار میلیارد تومان به شرکت‌های زیرمجموعه و اشخاص مرتبط با خود وام داده‌اند.

این بانک‌ها با تاسیس شرکت‌های سرمایه‌گذاری، آشکارا اقدام به بنگاهداری می‌کنند و به‌جای پرداخت وام به مردم یا تسهیلات‌دهی و تامین سرمایه در گردش مراکز تولید، منابع در اختیار را در شرکت‌های زیرمجموعه خود برای سودآوری حداکثری به‌کار می‌گیرند.

طبق گزارشات میدانی که بارها در رسانه‌ها منتشر شده بانک‌ها مدت‌هاست از پرداخت وام و تسهیلات به متقاضیان مردمی طفره می‌روند. این رویکرد سیستم بانکی بیانگر آن است که بانک‌ها در شرایط کنونی اقتصاد با نرخ تورم ۵۲ درصدی، نمی‌خواهند منابع در اختیار به نفع عده‌ای در قالب تسهیلات از سیستم بانکی خارج شود و ترجیح آن است که منابع در بخش‌های سودآور به‌نفع بانک سرمایه‌گذاری شود.

در آشفته‌بازار اقتصاد همین اقدام برخی بانک‌ها گواه این مدعاست که نظارت بانک مرکزی بر سیستم بانکی کشور ضعیف است و هنوز اصلاح ساختار نظام بانکی که از سال گذشته کلید خورده، به بخش تسهیلات‌دهی نرسیده و پرداخت وام به مردم و بنگاه‌های تولیدی به حال خود رها شده است. صمت درباره پرداخت تسهیلات دورهمی بانک‌ها به شرکت‌های اقماری یکدیگر با کارشناسان به گفت‌وگو پرداخته است.



آمارهای منتشرشده ازسوی بانک مرکزی حکایت از وجود شکاف عمیق بین میزان تسهیلات‌دهی بانک‌ها و سپرده‌گذاری‌ها دارد. این موضوع بیانگر بی‌توجهی ناظر سیستم بانکی به روند وام‌دهی و پرداخت تسهیلات است

لیست بانک‌های بدهکار

چندی پیش بانک مرکزی، فهرست «تسهیلات و تعهدات اشخاص مرتبط» ۱۹ بانک و موسسه اعتباری غیربانکی به همراه فهرست تسهیلات و تعهدات کلان و تسهیلات غیرجاری بانک‌های ایران و ونزوئلا، پاسارگاد، پست بانک، تجارت، توسعه تعاون، خاورمیانه، رفاه کارگران، سامان، سپه، سرمایه، سینا، قرض‌الحسنه رسالت، قرض‌الحسنه مهر ایران، کارآفرین، کشاورزی، مسکن، ملت، صنعت و معدن و گردشگری را منتشر کرد. براساس این فهرست ۷ بانک کارآفرین، سرمایه، قرض‌الحسنه رسالت، ایران و ونزوئلا، پست بانک، توسعه تعاون و خاورمیانه فاقد تسهیلات کلان بالای هزار میلیارد ریال هستند. با این وجود ۱۰ بانک شامل پاسارگاد، تجارت، رفاه کارگران، سامان، سپه، سینا، مسکن، ملت، صنعت و معدن و گردشگری حدود ۳۵ هزار میلیارد تومان به اشخاص مرتبط تسهیلات پرداخت کرده‌اند. جدا از اینکه چه میزان از این تسهیلات پرداخت شده غیرجاری و معوق شده، بررسی اینکه شبکه بانکی کشور از مجموع تسهیلات پرداخت‌شده چه میزان را به شرکت‌های زیرمجموعه یا سهامداران خود پرداخت کرده، اهمیت زیادی دارد. طی سال‌های گذشته همواره بنگاهداری بانک‌ها به‌عنوان یکی از معضلات نظام بانکی معرفی شده، چراکه در این شرایط بانک‌ها به‌جای عمل به وظایفی که قانون برای آنها تعریف کرده، به سمت شرکت‌داری می‌روند و برای تامین مالی شرکت‌های زیرمجموعه خود تلاش می‌کنند بخشی از تسهیلاتی را که ملزم به ارائه آن هستند به این شرکت‌ها پرداخت کنند.

تسهیلات بانکی به مردم عادی نمی‌رسد



آیت تجلی، کارشناس امور بانکی درباره چگونگی تسهیلات‌دهی بانک‌ها به شرکت‌های یکدیگر به صمت گفت: قدرت خلق نقدینگی ازسوی بانک‌ها و توانایی گزینش در تخصیص منابع مالی به متقاضیان دریافت تسهیلات همواره یکی از مباحث پرچالش و داغ محافل اقتصادی بوده است.

این کارشناس بانکی با بیان اینکه بخش بزرگی از تسهیلات بانک‌ها به مردم عادی تعلق نمی‌گیرد، بیان کرد: بانک‌ها رقم‌های چندین هزار میلیاردی را به‌صورت وام به پروژه‌هایی اختصاص داده‌اند که به‌علت رکود و خواب پروژه امکان بازگشت ندارد.

▣ احتمال بروز فساد در شبکه بانکی

وی بنگاهداری بانک‌ها را از چالش‌های اساسی سیستم بانکی کشور دانست و اظهار کرد: در غیاب نهادهای ناظر بر شبکه بانکی روند وام‌دهی بانک‌ها به یکدیگر و شرکت‌های اقماری بسیار معمول شده است. در آمارهای کلی نیز نمی‌توان رقم سرمایه‌های بانکی را که به سمت تسهیلات‌دهی به خودی رفته مشخص کرد.

بنگاهداری بانکی واقعی زمانی اتفاق می افتد که بانک‌ها به بنگاه‌هایی که عمدتا متعلق به خودشان است، تسهیلات پرداخت کنند، در حالی که طبق قانون منابع بانکی نباید به‌شکل وام در بنگاه‌های متعلق به بانک سرمایه‌گذاری شود.

وی با تاکید بر لزوم نظارت بیشتر نهادهای ناظر بر شبکه بانکی کشور خاطرنشان کرد: اگر سیستم بانکی، به‌ویژه بخش تسهیلات‌دهی به حال خود رها شود، فساد سراسر شبکه بانکی را در بر خواهد گرفت. فرصت فعالیت اقتصادی باید برای بخش‌های گوناگون تولید فراهم شود تا توزیعی متوازن در تصاحب این فرصت‌ها به‌وجود بیاید.

▣ پرداخت بیش از کفایت

این کارشناس بانکی تاکید کرد: در واقع وضعیت کفایت سرمایه بانک‌ها اکنون به‌گونه‌ای نیست که آنها بتوانند به درخواست‌کنندگان خارج از سیستم خود تسهیلات بدهند، اما در همین شرایط برخی بانک‌ها ۱۰ برابر سرمایه خود را به‌صورت تسهیلات به پروژه‌های بنگاهداری اختصاص داده‌اند. باید توجه داشت، در بررسی عملکرد بانک مرکزی در ارائه تسهیلات، منظور تنها ارقامی نیست که در قالب تسهیلات تکلیفی نظیر وام ازدواج و اشتغال از سوی بانک‌های تجاری ارائه می‌شود.

وی افزود: بسیاری از بانک‌ها تسهیلات چندین هزار میلیارد تومانی به مجموعه‌های متعلق به خود اعطا می‌کنند، در حالی که این ارقام در ترازنامه بانک‌ها ذکر نمی‌شود.

این اقدام در طولانی‌مدت موجب زیان انباشته بانک‌ها خواهد شد. به‌علاوه اینکه بانک‌ها در صورت ارائه تسهیلات به شرکت‌های اقماری یکدیگر، امکان نقدشوندگی و بازگشت تسهیلات به شبکه بانکی را کاهش خواهند داد.

تجلی گفت: آمارهای منتشرشده ازسوی بانک مرکزی حکایت از وجود شکاف عمیق بین تسهیلات‌دهی بانک‌ها با سپرده‌گذاری‌ها دارد. این موضوع بیانگر بی‌توجهی ناظر سیستم بانکی به روند وام‌دهی و پرداخت تسهیلات است که باید مورد بازبینی مسئولان قرار گیرد.

▣ تامین اعتبار از جیب بانکی دیگر

وی با اشاره به آیین‌نامه تسهیلات و تعهدات کلان بانک مرکزی که در سال ۱۳۹۲ به شبکه بانکی ابلاغ شد، اظهار کرد: این آیین‌نامه مجموع خالص تسهیلات و تعهدات اعطایی و ایجادشده به هر ذی‌نفع را که میزان آن حداقل معادل ۱۰ درصد سرمایه پایه بانک‌ها باشد، تسهیلات و تعهدات کلان دانسته است.

در بخش دیگری از این آیین‌نامه تصریح شده حداکثر مجموع تسهیلات و تعهدات کلان به هر ذی‌نفع نباید از ۲۰ درصد سرمایه پایه آن بانک تجاوز کند.

این ابلاغیه به نفع تسهیلات‌گیرندگان در بخش‌های تولیدی بود، زیرا میزان وام‌دهی به زیرمجموعه‌های بانکی به‌صراحت در آیین‌نامه ذکر شده است. مشکل از آنجا آغاز شد که بعضی از بانک‌ها پس از پشت سر گذاشتن سقف تسهیلات اعطایی به شرکت‌ها و زیرمجموعه‌های خود، اقدام به وام‌دهی به روش‌های دیگر کردند؛ یعنی هر بانک با توجه به محدود شدن سقف اعتبار اعطایی به مجموعه اقتصادی ذیل خود، عملیات تامین اعتبار از بانکی دیگر را در پیش گرفت.

تجلی ادامه داد: در فرآیند یادشده، در واقع بانک دوم در نقش اعتباردهنده به زیرمجموعه بانک اول ظاهر می‌شود و بانک اول در وام دیگری به زیرمجموعه‌های بانک دوم، این اعطای اعتبار را جبران می‌کند.

با این شیوه عملا بانک‌ها برای دور زدن قوانین شفاف بانک مرکزی به هم کمک می‌کنند و برای سودآوری بیشتر در زیرمجموعه‌ها دست در جیب یکدیگر می‌کنند.

این کارشناس امور بانکی تنها راهکار جلوگیری از دور زدن قوانین توسط برخی بانک‌ها را قوی‌تر شدن بازوهای نظارتی بانک مرکزی و سایر نهادهای ناظر دانست

نباید تخلف یک بانک را پای همه نوشت



ابراهیم حاتمی‌یزدی، کارشناس امور بانکی و مدیرعامل سابق بانک صادرات درباره علت تسهیلات‌دهی بانک‌ها به شرکت‌های یکدیگر گفت: کارشناسان اقتصاد بانک‌ها را عامل ایجاد تورم و گرانی در بازارها می‌دانند و می‌گویند بانک‌ها برای کسب سود بالا وارد بازارهای ارز و سکه و مسکن می‌شوند و با افزایش تقاضا به افزایش قیمت‌ها دامن می‌زنند، در حالی که واقعیت این نیست و تخلف بعضی بانک‌ها را نباید به پای شبکه بانکی کشور نوشت.

وی با تایید ورود برخی بانک‌ها به بازارهای کم‌ریسک و سودآور اظهار کرد: این رویه کل بانک‌ها در دنیاست که در قالب یک بنگاه خصوصی به‌اقتضای عدم ریسک‌پذیری و تامین سودهای کوتاه‌مدت، وارد عملیات تسهیلات‌دهی و تسهیلات‌گیری برای زیرمجموعه‌های یکدیگر می‌شوند، اما پرداخت تسهیلات حتی به واحدهای زیرمجموعه تنها در کوتاه‌مدت سودآور است و در طولانی‌مدت می‌تواند بانک را زیانده کند.

مدیرعامل سابق بانک صادرات با تایید همکاری نکردن برخی بانک‌ها برای ارائه تسهیلات به متقاضیان گفت: بانک‌ها هوشمندانه و با برنامه‌ریزی دقیق کار می‌کنند و نمی‌خواهند در این شرایط تورمی که می‌توان از منابع موجود به‌خوبی استفاده کرد، آن را در قالب تسهیلات از بانک خارج کنند. در حقیقت بانک‌ها به‌جای پرداخت وام به نیازمندان، منابع بانکی را به شرکت‌های زیرمجموعه خود اختصاص می‌دهند و از این طریق به‌راحتی وارد سرمایه‌گذاری‌های سودآور می‌شوند.

▣ لزوم نظارت بر پرداخت تسهیلات

وی در زمینه جلوگیری از تسهیلات‌دهی بانک‌ها به زیرمجموعه‌های یکدیگر پیشنهاد کرد بانک مرکزی به‌عنوان مدیر امور پولی کشور چگونگی ارتباط بین وام‌گیرنده و سیستم بانکی را ویرایش و رصد کند تا مانع بنگاهداری بانک‌ها شود.

این کارشناس امور بانکی افزود: بانک مرکزی باید با بانک‌های متخلف به‌شدت برخورد کند؛ تا جایی که سایر بانک‌ها برای خود اقدام به سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت نکنند و تسهیلات را به متقاضیان واقعی بپردازند.

وی با اشاره به اینکه اگر رویه یادشده در شبکه بانکی کشور مرسوم شود، دیگر انگیزه‌ای برای پرداخت وام به غیر، در بانک‌ها وجود نخواهد داشت، گفت: نهادهای ناظر به‌ویژه بانک مرکزی باید با اعمال جریمه‌های سنگین در قالب پرداخت تسهیلات تکلیفی و پرداخت وام به متقاضیان از محل تسهیلات به زیرمجموعه‌ها، جلوی مرسوم شدن این اتفاق در سیستم بانکی را بگیرند.

▣ مردم بی‌میل به سپرده‌گذاری

حاتمی‌یزدی خاطرنشان کرد: تا زمانی که نرخ سود بانکی پایین باشد، مردم رغبتی به سپرده‌گذاری در بانک‌ها نخواهند داشت و به‌تبع آن بانک‌ها با کمبود منابع مواجه خواهند بود.

در نتیجه چنین وضعیتی بانک‌ها همین منابع در اختیار را هم در زیرمجموعه‌های خود با سودآوری بالا سرمایه‌گذاری می‌کنند تا با کمبود منابعی بیش از این مواجه نشوند. البته توجه به این نکته هم مهم است که برخی از دریافت‌کنندگان تسهیلات به‌دلیل بکارگیری آن منابع در بازارهای سودآور و کسب سود مناسب حاضر به برگرداندن تسهیلات بانکی نمی‌شوند که این موضوع باعث شده بانک‌ها با مشکل مطالبات معوق مواجه و در پرداخت وام و تسهیلات حساس شوند و با پرداخت تسهیلات به زیرمجموعه‌های یکدیگر از ریسک مطالبات معوق بکاهند.

سخن پایانی

به‌گفته کارشناسان بانکی براساس آیین‌نامه تسهیلات‌دهی، بانک‌ها این اختیار را دارند تا بخشی از منابع در اختیار را به زیرمجموعه‌های خود در قالب تسهیلات بپردازند. این مصوبه منجر به بروز مشکلاتی در شبکه بانکی شده و به‌گفته کارشناسان برای کنترل این روند بانک مرکزی باید به میزان و چگونگی ارائه تسهیلات بین‌بانکی ورود کند. منتقدان این روند معتقدند در صورت نبود نظارت کافی این امر موجب انحراف منابع بانکی خواهد شد. از سوی دیگر با آشفته شدن بازارهای اقتصادی، نرخ بالای تورم، کم‌ارزش شدن پولی ملی، انتظارات تورمی، رکود و از همه مهم‌تر بی‌توجهی دولت به‌ویژه مسئولان بانک مرکزی در نظارت بر فعالیت بانک‌ها موجب شده بانک‌ها به‌جای تامین نیاز سرمایه در گردش تولید فقط به فکر منافع خود باشند و با ترفند و زیرکی منابع موجود را در بازارهای پرسود سرمایه‌گذاری و راه را برای کسب سود هر چه بیشتر بنگاه‌های وابسته هموار کنند.

کارشناسان از فرصت‌ها و چالش‌های بخش معدن در اشتغال آفرینی می گویند

گرهی که با دست باز می‌شود

معدنکاری در ایران قدمتی دیرینه دارد که به گواهی اشیاء کشف‌شده از سراسر کشور به ۴هزار سال پیش از میلاد ـ یا حتی قبل از آن ـ باز می‌گردد.
بنابراین اقوام ایرانی از سپیده‌دم تاریخ با بطن زمین انس و الفتی داشتند و از این خوان گسترده بهره برده‌اند تا نیازهای خود را برطرف کنند، تمدن خود را پیش برانند و از این امتیاز ویژه برای گسترش دادوستد با دیگر اقوام بهره ببرند.
امروزه هم بخش معدن از حوزه‌های استراتژیک در صنعت کشور است و همچنان می‌تواند سهم ویژه‌ای در رشد و توسعه کشور، رونق اقتصادی، ایجاد اشتغال و گسترش رفاه و آبادانی داشته باشد، اما دستیابی به این مهم چندان آسان نمی‌نماید و با چالش‌های متعددی دست به گریبان است.



عکس: صمت

آن که ناسالم است راه خود را به هر طریقی باز می‌کند، با دادن رشوه و زیرمیزی مجوز می‌گیرد و با توصیه این و آن از تسهیلات بانکی برخوردار می‌شود. مسلما چنین فردی هیچ‌یک از چارچوب‌ها و ضوابط محیط‌زیستی را رعایت نمی‌کند و راه دور زدن آنها را هم پیدا خواهد کرد

گروه معدن
editor@smtnews.ir

اصل بر صحت اظهارات است



محسن کوه‌کن - نماینده ادوار مجلس شورای اسلامی و عضو سابق کمیسیون صنایع و معادن: بحث درباره ظرفیت اقتصادی و توان اشتغالزایی در معدن را با ذکر ۲ مثال آغاز می‌کنم.

اول اینکه، حدودا ۲۰ سال پیش بود که سفری کاری به یکی از کشورهای شرق آسیا داشتیم؛ کشور بسیار کوچکی ـ کوچک‌تر از تهران ـ که معدن سنگی در آن نیست و به‌دلیل ماهیت جزیره‌ای و وسعت کم، اساسا امکان هیچ‌گونه فعالیت‌های اکتشافی هم ندارد. با این حال در مرکز شهر، کارخانه بزرگ فرآوری سنگ وجود داشت و ما از آن بازدید کردیم.

مواد اولیه این کارخانه از خارج به‌صورت تایل و کوپ وارد می‌شد، روی آنها فرآوری انجام می‌گرفت و نهایتا محصول با ارزش افزوده صادر می‌شد.

خاطرم هست وقتی که از صاحب آن کارخانه درباره درآمد سالانه‌اش پرسیدم، عددی گفت که تفاوت اندکی با میزان کل صادرات سالانه سنگ ما داشت.

دیگر اینکه، سال ۱۳۷۷ چند نفر از کارشناسان معدنی کشور ژاپن به دعوت یکی از دستگاه‌ها به ایران آمده بودند تا از چند معدن بازدید کنند. هنگام بازگشت، یکی از آنها جمله‌ای گفت که از ذهن من پاک نمی‌شود.

او گفت: «ما خیلی از کشورهای دنیا را گشته‌ایم اما می‌توانم بگویم ایران کلکسیون سنگ‌های تزئینی همه دنیاست».

بحث درباره دیگر ذخایر و معادن را رها می‌کنم زیرا تنها با استناد به همین ۲ مثال، کاملا روشن می‌شود که ظرفیت کارآفرینی بخش معدن در کشور ما چقدر است و می‌توان حدیث مفصل را از این مجمل خواند.

کشور کوچکی که حتی یک معدن سنگ هم ندارد، از محل فروش محصول فرآوری‌شده، معادل کل صادرات سنگ ما درآمد دارد،اما کشور ما که به قول آن کارشناس ژاپنی کلکسیون سنگ دنیاست، با این همه ذخایر معدنی درآمد چندانی به‌دست نمی‌آورد.

پس می‌توان گفت اگر مقداری واقع‌بینی و تحلیل درست برای نحوه استفاده از معادن داشته باشیم، می‌توان برای بخش قابل‌توجهی از نیروی کار فرصت شغلی ایجاد کرد.

البته ذکر این نکته ضروری است که منظور از ایجاد اشتغال در حوزه معدن، صرفا کار در درون تونل‌های زیرزمینی معدن یا حضور در مناطق دورافتاده نیست، بلکه رشد بخش معدن، به‌معنی رونق همه فعالیت‌های کوچک و بزرگ وابسته به آن است.

اشکال کار اینجاست که فهم صحیح و درستی از این روند وجود ندارد. ما نمی‌دانیم چه کسانی می‌توانند این زنجیره را – از دل معدن گرفته تا حلقه انتهایی – کنار هم بچینند و کامل کنند تا به نتیجه مطلوب برسد.

بخشی از این مشکل ناشی از مسائلی است که هنوز در فرهنگ عمومی حل نشده است. باید به نقطه‌ای برسیم که وقتی نهاد متولی مجوز بهره‌برداری از معدن را صادر می‌کند، حجت بر همه تمام شود و اطمینان داشته باشند که تمام قوانین و مقررات و ضرورت‌های زیست‌محیطی و مانند آن در نظر گرفته و رعایت می‌شود.

باید اعتراف کرد که ما هنوز از این نقطه فاصله داریم. در کشور ما معمولا گرهی را که با دست باز می‌شود، به دندان می‌سپارند.

نهادهای ذی‌ربط مجوز صادر می‌کنند، بهره‌بردار با اطمینان جلو می‌رود و کار را شروع می‌کند، اما ناگهان با یک مشکل اجتماعی روبه‌رو می‌شود، مثلا اهالی روستایی در ۱۰ کیلومتری معدن اعتراض می‌کنند که ماشین‌آلات معدنی جاده‌های ما را خراب می‌کند و بعد، به‌جای آنکه مشکل به‌گونه‌ای حل شود که نه سرمایه‌گذار ضرر کند و نه معارض، به اختلافات دامن زده می‌شود و شرایط آنقدر پیچیده می‌شود تا نهایتا کار به تعطیلی برسد. موضوع اینجاست که نباید کسی به‌دنبال تعارض و تشنج باشد چون در این صورت چیزی عاید کسی نمی‌شود؛ غیر از آنهایی که اهل سوءاستفاده هستند.

بنده تنها در فرمایشات رهبر معظم انقلاب تعبیر درستی نسبت به سرمایه‌گذاری کلان شنیدم. ایشان در جمعی - که بنده هم حضور داشتم - جمله‌ای به این مضمون فرمودند: «اگر کسی امروز برای ایجاد اشتغال و تولید، سرمایه‌گذاری کند همانند فردی بسیجی است که در چند سال دفاع مقدس در جبهه جنگیده است».

اگر کسی خواست با تمام سختی‌ها در بخش معدن سرمایه‌گذاری کند، چنین دیدی نسبت به او وجود دارد؟ پاسخ خیر است و به قول معروف آب از سرچشمه گل‌آلود است.

باید گفت تحلیل درستی از سرمایه‌گذاری، منافع معقول و منطقی شخصی و عمومی وجود ندارد؛ آن کسی که سالم است و می‌خواهد مسیر را از راه درست طی کند، پس زده می‌شود.

اما آن که ناسالم است راه خود را به هر طریقی باز می‌کند، با دادن رشوه و زیرمیزی مجوز می‌گیرد و با توصیه این و آن از تسهیلات بانکی برخوردار می‌شود.

مسلما چنین فردی که فقط دنبال منافع خود است، هیچ‌یک از چارچوب‌ها و ضوابط محیط‌زیستی را هم رعایت نمی‌کند و راه دور زدن آنها را هم پیدا خواهد کرد.

البته از حق نباید گذشت که این دولت تلاش فراوانی کرده است تا مشکلات این حوزه را برطرف کند، که گامی مثبت است، اما کافی نیست. مسیر باید از ابتدا اصلاح شود. به اعتقاد بنده بهترین شیوه مدیریت این حوزه؛ اعتماد، کنترل، تشویق و در نهایت اعمال سیاست‌های تنبیهی است.

توضیح اینکه در این روش اصل بر صحت اظهارات افراد است. پس باید از ابتدا و با اعتماد صددرصدی مجوز افراد صادر شود. در گام بعد نهاد ذی‌ربط باید با کمک کارشناسان بی‌طرف، اظهارات فرد را صحت‌سنجی کند و در صورت اثبات صداقت، او را در لیست سبز قرار دهد تا بتواند از تسهیلات بانکی بهره‌مند شود. اما اگر فرد اظهاراتی خلاف واقع داشت باید در لیست سیاه قرار گیرد تا به‌اصطلاح نقره‌داغ شود.

اشکال دیگر این است که به‌جای فرآوری تولیدات معدنی - که ظرفیت اشتغال‌آفرینی را افزایش می‌دهد- معمولا محصولات به‌صورت خام صادر می‌شود، چرا که فرآوری مواد معدنی هم سرمایه‌گذاری می‌خواهد و هم دلسوزی، اما خام‌فروشی هیچ هنری نمی‌خواهد.

روزی با انفجار، سنگ را خرد می‌کردند و به آن سوی آب می‌فرستادند، حالا کلی پیشرفت کرده‌اند و با سیم برش این کار را انجام می‌دهند.

البته این بدان معنا نیست که تحت هیچ شرایطی نباید محصول فرآوری‌نشده را صادر کرد.

گاهی می‌توان ماده خامی را صادر کرد و مشابه آن را با نرخ بسیار کمتری وارد کرد.

روشن است که این دادوستد کاملا اقتصادی و به‌صرفه است اما در غیر این صورت هیچ توجیهی ندارد.

اگر یک جو غیرت اقتصادی نسبت به مردم وجود داشته باشد، هرگز کسی راضی نخواهد شد که برای منافع جیب خود، از خزانه مردم هزینه کند.

معدن مستقیم و غیر مستقیم اشتغال آفرین است



شهناز نوایی - فعال معدنی: بخش معدن ظرفیت اشتغال‌آفرینی بالایی دارد، البته به‌شرط اینکه شرایط لازم برای بهره‌بردار فراهم باشد.

یکی از بزرگ‌ترین عواملی که مانع رشد کسب‌وکار و رونق معدن می‌شود، مشکل قدیمی حمل‌ونقل است.

فعالیت معدنی به جاده و زیرساخت نیاز دارد تا دسترسی بهره‌بردار به بازار فروش تسهیل شود اما دولت تاکنون برای حل این مشکل کمک چندانی نکرده است.

نبود جاده یا مسیر مناسب، استهلاک ماشین‌آلات به‌ویژه لاستیک، هزینه بالای سوخت، فرسودگی وسایل حمل‌ونقل و مشکلاتی از این دست باعث می‌شود که بهره‌بردار برای رساندن محصول خود به بازار با مشکلات عدیده‌ای دست به گریبان باشد، از جمله اینکه صاحبان وسایل حمل‌ونقل یا اصلا قبول نمی‌کنند که مسیر طولانی را از معدن تا بازار فروش طی کنند یا هزینه‌های سرسام‌آوری طلب می‌کنند که مقرون به‌صرفه نیست.

از سوی دیگر، فعالیت معدنی همواره با مزاحمت‌هایی از جمله معارضان محلی یا ارگان‌هایی مانند محیط‌زیست، منابع طبیعی و امثال آن روبه‌رو است که مشکلات عدیده‌ای ایجاد می‌کنند و حتی کار را به تعطیلی می‌کشانند.

اگر با مساعدت دولت و همکاری نهادها و سازمان‌های ذی‌ربط این چالش‌ها برطرف شود، معدن از نظر سوددهی بهترین محل کسب‌وکار و ایجاد اشتغال است.

معدن جدا از توان بالا در اشتغال‌آفرینی مستقیم، به‌شکل غیرمستقیم هم موجب رونق و آبادانی محل می‌شود. امروزه در کنار بیشتر معادنی که در مناطق بیابانی یا محروم احداث شده، شهرها یا شهرک‌های آبادی به‌وجود آمده است.

البته بدیهی است که رسیدن به این نقطه کمک دولت را می‌طلبد. اما تاکنون حمایت لازم انجام نگرفته است.

هر مدیری که می‌آید به‌دلخواه، تصمیمات جدیدی اتخاذ و بایدها و نبایدهایی دیکته می‌کند.

مرتب قوانین دست و پاگیر وضع و به‌صورت دستورالعمل، بخشنامه و مانند آن ابلاغ می‌شود که مشکلات را بیشتر و پیچیده‌تر از قبل می‌کند.

درباره اشتغال‌آفرینی ذکر یک نکته ضروری است؛ بخش معدن همواره با ایرادی روبه‌رو است که دهان به دهان می‌چرخد.

می‌گویند اگر تولیدات معدنی به‌صورت خام در معرض فروش یا صادرات قرار نگیرد، فرصت بیشتری برای اشتغال به‌وجود می‌آورد.

در پاسخ به این ایراد باید ۲ موضوع را در نظر گرفت.

اول اینکه هر ماده‌ای که استخراج می‌شود تا حدی فرآیند فرآوری را طی می‌کند و کاملا خام نیست.

در واقع وقتی ذخیره سنگ معدن به شکل کیوب بریده می‌شود، مرحله اولیه فرآوری را پشت سر گذاشته است، هرچند معمولا مسیر فرآوری به‌طورکامل طی نمی‌شود؛ چون این کار پیچیدگی‌های خاص خود را دارد.

البته مسلم است که اگر بهره‌بردار بتواند محصولی را فرآوری کند، هم زمینه اشتغال بیشتری فراهم می‌کند و هم از نظر اقتصادی برایش به‌صرفه‌تر است.

اما این کار به سرمایه زیادی نیاز دارد. مثلا در مورد معدن سنگ، می‌توان گفت چیزی معادل ۲ برابر سرمایه اولیه لازم است تا کارخانه یا کارگاهی برای سنگ‌بری احداث شود و به بهره‌برداری برسد.

دیگر اینکه بیشتر اوقات، ماده فرآوری‌نشده مشتریان بیشتر و بهتری پیدا می‌کند.

مثلا خریدار سنگ ترجیح می‌دهد با توجه به نیاز و نوع مصرف، کیوب‌ها را با ضخامت‌های مختلف برش دهد یا با تیپ و فرم خاصی صیقل دهد؛ برای همین بازار به محصول خام گرایش بیشتری نشان می‌دهد.

نکته پایانی درمورد بحث اشتغال‌آفرینی این است که مسئولان و تصمیم‌گیران باید از توان و تخصص تشکل‌های معدنی و نمایندگان بخش خصوصی، کمک و مشورت بخواهند تا فعالیت در بخش معدن تسهیل شود، دسترسی به امکانات گسترش پیدا کند و کارها روان و بدون دست‌انداز پیش برود.

خاطرم هست قبلا جلساتی در وزارتخانه برگزار می‌شد که نمایندگانی از سنگ‌بری‌ها، بهره‌برداران و کارشناسان بخش خصوصی را دور هم جمع می‌کرد و فرصتی برای همفکری بود. پیشنهاد می‌کنم که این نشست‌ها دوباره برگزار شود تا با بحث و گفت‌وگو بتوان به تصمیماتی سازنده رسید؛زیرا قوانین و دستورالعمل‌های نسنجیده از سوی مدیران و مسئولانی که اغلب آشنایی چندانی با بخش معدن ندارند، آسیب‌های فراوانی به این حوزه وارد می‌کند و آن را از ایفای نقش در رونق اقتصاد و کمک به رشد و توسعه کشور باز می‌دارد.

قوانین و دستورالعمل‌هایی نسنجیده از سوی مدیران و مسئولانی که آشنایی چندانی با بخش معدن ندارند، آسیب‌های فراوانی به حوزه معدن وارد می‌کند و آن را از ایفای نقش در رونق اقتصاد و کمک به رشد و توسعه کشور باز می‌دارد

سخن پایانی

اشتغال‌آفرینی یکی از محورهای شعار امسال است و معدن ظرفیت بالایی برای تحقق آن دارد. تنها باید عزم را جزم کرد، فرصت‌ها را شناخت و چالش‌ها را برطرف کرد تا شاهد رشد و شکوفایی این بخش باشیم.

یادداشت



هرچه می‌دویم به در بسته می‌خوریم

جمشید نفر - عضو کمیسیون توسعه صادرات غیرنفتی اتاق بازرگانی

اشتغال‌آفرینی در حوزه معدن جدا از کمیت، از کیفیت قابل‌توجهی هم برخوردار است. به‌عبارت دیگر «چگونگی» ایجاد اشتغال اهمیت بیشتری از «گنجایش و ظرفیت» آن دارد. به‌عنوان مثال معمولا واحدهای صنعتی و کارخانجاتی که نیروی کار را به خود جذب می‌کنند، در حاشیه شهرهای بزرگ مستقر شده‌اند - رویه‌ای که در کشور ما هم به‌چشم می‌خورد - اما فرصت‌هایی که بتواند نیروی کار را از شهرهای بزرگ خارج کند و به روستاها، مناطق دورافتاده و محدوده‌هایی ببرد که هیچ‌اثری از آب و آبادانی نیست، فقط در حوزه معدن وجود دارد. پس مهاجرت معکوس - یعنی مهاجرت نیروی کار از شهر به روستا – که در بخش معدن اتفاق می‌افتد کاملا منحصر به فرد است و از ویژگی‌های ارزشمند این حوزه به‌شمار می‌رود.

افزایش کمی اشتغال هم به ۲ طریق میسر می‌شود؛ بهره‌برداری از معادن بیشتر یا رونق اقتصادی در بخش معدن. بدیهی است وقتی یکی از این موارد محقق شود به‌تبع آن میزان اشتغال هم افزایش پیدا خواهد کرد. جالب اینجاست که موانع اصلی برای دستیابی به اهداف فوق را نباید در خود معدن جست‌وجو کرد زیرا آنها بیشتر در بخش‌های ترابری به‌چشم می‌خورند. بزرگ‌ترین این موانع، حمل‌ونقل است. کمبود ماشین‌آلات و ضعف زیرساخت‌های توسعه سبب شده است که ایران جایگاهی در میان تامین‌کنندگان مواد معدنی دنیا نداشته باشد. بن‌بست تحریم‌ها و گره‌های متعدد در سیستم بانکی هم از دیگر مشکلات بزرگ این حوزه است. عقب‌افتادگی در این بخش‌ها و کمبودها و موانع آن، خواه‌ناخواه بر توسعه اقتصادی کشور اثری سوء خواهد داشت. وقتی هیچ‌یک از زیرساخت‌های ضروری وجود ندارد، نمی‌توان چشم‌انتظار معجزه و امیدوار باشیم که مثل ترکیه یا حتی عراق ـ که الان خیلی پیشرفته‌تر از ما شده‌اند ـ در این بخش رشد کنیم.

تنها راه نجات ما، تغییر کلی سیاست‌ها و رویکردها است. البته بدیهی است که این کار از حوزه اختیارات بخش معدن، صنعت و... خارج است. سیاست‌های خرد همواره دنباله‌رو سیاست‌های کلان کشور هستند. پس تا وقتی مسیر کلی حرکت تغییر نکرده و اصلاح نشده و بن‌بستی به نام تحریم وجود دارد و اراده‌ای جدی برای حل مشکلات نیست، کار چندانی نمی‌توان کرد و هرچه بزنیم به در بسته خواهد خورد؛ ببینید که چه به سر اقتصاد کشور آمده است. امروز در جایگاهی به مراتب بدتر از ۱۰ سال پیش ایستاده‌ایم و آن روز هم در شرایطی بدتر از ۱۰ سال قبلش قرار داشتیم. به اعتقاد من وضع اقتصاد امروز ایران شبیه اتومبیلی شده است که دنده یک را پر کرده است و دیگر وقت آن است که دنده را عوض کند. اگر همچنان با همین وضعیت حرکت کنیم، هرچه بیشتر گاز بدهیم، انرژی بیشتری تلف و اتومبیل مستهلک‌تر می‌شود. به خود بیاییم. ما داریم با شیبی تند به‌سوی سقوط می‌رویم. دیگر جز تغییر راهی برای نجات نیست. اما در باب عوارض صادراتی مواد معدنی - که این روزها بحث داغی است و گروهی آن را گره کور اشتغال‌آفرینی می‌دانند – یادآوری این نکته ضروری است که سوبسید انرژی در ایران آنقدر بالا است که حتی با وضع عوارض صادراتی، همچنان نرخ تمام‌شده برای تولیدکننده ایرانی - چیزی حدود ۱۴، ۱۵ درصد- از تولیدکننده کشور رقیب کمتر است.

با نگاه دقیق‌تری به ترکیه، موضوع کاملا روشن خواهد شد. در حال حاضر نرخ یک لیتر بنزین در این کشور معادل ۴۰ هزار و نرخ یک لیتر گازوئیل ۴۲ هزار تومان است اما در ایران به نرخ ۱۰۰۰ تومان در اختیار صنایع قرار می‌گیرد. پس هزینه انرژی مصرفی برای تولیدکنندگان ترک دست‌کم ۴۰ برابر بیشتر از ایرانیان است. از طرف دیگر یکی از ارکان صنایع فولاد، صنایع سیمان و مانند آن بحث انرژی است و حمل‌ونقل آنها هم نیازمند مقدار قابل‌توجهی سوخت است، پس اگر عوارضی پرداخت نشود، دیگر محصولی به نام فولاد صادر نشده بلکه انرژی، گاز و آب این مملکت صادر شده است. اگر به این عوارض صادراتی معترض هستند چرا به نرخ پایین سوختی که می‌گیرند، هیچ اعتراضی نمی‌کنند؟ می‌خواهند سوخت مفت و سنگ‌آهن ارزان برود و منابع آب مملکت هم خشک شود تا فولاد به تولید برسد و صادر شود؟ نکنند! اینکه هنر نیست. همان‌طور که اشاره شد، ایرادها و گرفتاری‌های اصلی حوزه‌های اقتصادی در کشور ما علل و عوامل دیگری دارد و تلاش برای اینکه آن را به گردن عوارض صادراتی بیندازند و بگویند «آن را بردار تا من کارآفرینی کنم» تقاضایی به‌شدت منفعت‌طلبانه و زیاده‌خواهانه است.

پنجشنبه
۲۰ مرداد ۱۴۰۱- ۱۳ محرم ۱۴۴۴ - ۱۱ اوت ۲۰۲۲- شماره ۲۱۲۲-پیاپی ۳۴۴۰

صمت
صنعت معدن تجارت

منشور اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در روزنامه صمت: www.smtnews.ir/about.html

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی و مطبوعاتی «صمت»
مدیرمسئول: ناصر بزرگمهر
سردبیر:عاطفه خسروی

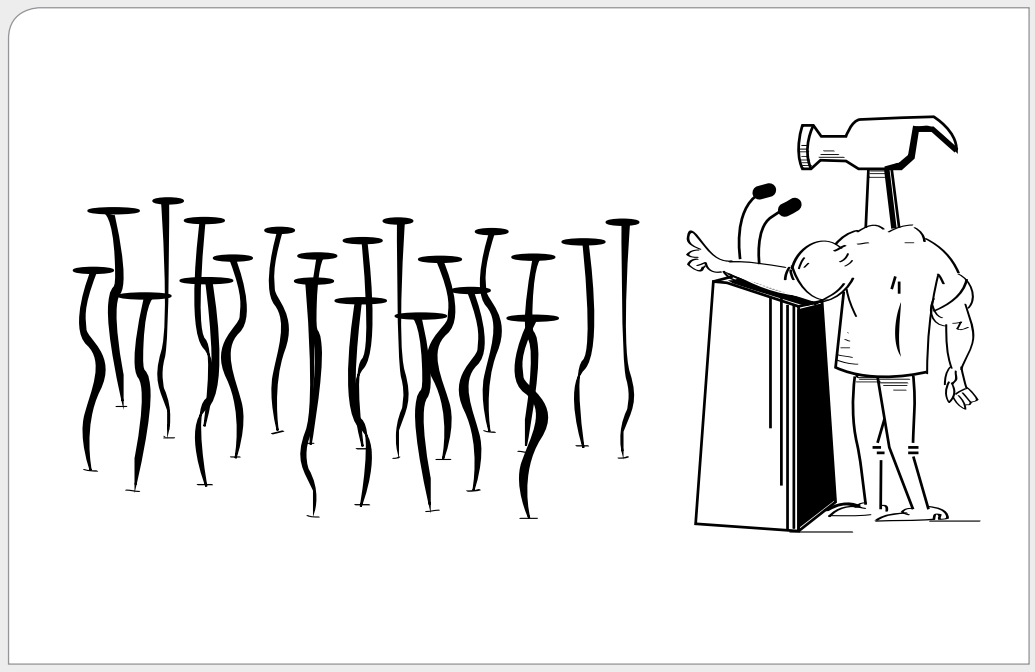
تلفن: ۸۲۱۹۰ - نمابر: ۸۸۷۱۳۷۳۰- پیامک: ۳۰۰۰۸۲۱۹۰
سازمان آگهی‌ها: ۳-۸۸۷۲۲۷۳۲ - نمابر آگهی ها: ۸۸۷۲۴۲۱۱-۰۹۰۲۶۲۹۱۴۸۸
امور مشترکین: ۸۸۷۲۲۷۳۵ - روابط عمومی: ۸۸۱۰۵۳۰۹
توزیع و سازمان شهرستان‌ها: ۸۸۷۲۲۷۳۵
تهران، خیابان قائم‌مقام فراهانی - کوچه آزادگان شماره ۲۶ - کد پستی ۱۵۸۶۷۳۳۸۱۱
روابط عمومی: pr@smtnews.ir آگهی: ads@smtnews.ir
امور استان‌ها: ostanha@smtnews.ir
چاپخانه: انتخاب رسانه

www.smtnews.ir info@smtnews.ir
telegram.me/smtnews instagram.com/smtnewspaper
tozi.smtnews@gmail.com

روزنامه صمت با رتبه ۱
در میان روزنامه‌های تخصصی مقام ۱
در میان روزنامه‌های اقتصادی مقام ۲

عضو انجمن مدیران روزنامه‌های غیردولتی
عضو انجمن مدیران رسانه
عضو تعاونی مطبوعات

کارتون روز



بدون شرح

طرح: حسین علیزاده



جولان موتورسیکلت‌های بدون معاینه فنی در شهر

کنکاش در هزارتوی آلودگی هوا

خودرو اعم از ماشین و موتورسیکلت متهم بخشی از آلودگی هوای امروز کشور به‌ویژه در کلانشهرها هستند. در کنار خودروهای فرسوده، بعضی از ماشین‌ها و موتورسیکلت‌های نو نیز به لحاظ استاندارد توان گذراندن آزمون‌های آلایندگی را نداشته و رد می‌شوند. در یکی از گفت‌وگوهایی که صمت با کارشناس فعال در حوزه معاینه فنی در سال ۹۷ داشت، عنوان شده بود از حدود ۲۵۰ تا ۲۶۰ هزار خودرویی که مشمول معاینه فنی نمی‌شدند اما برای دریافت معاینه فنی برتر به مراکز معاینه فنی مراجعه کرده بودند، حدود ۱۳۰ هزار خودرو معاینه فنی برتر را دریافت کرده‌اند؛ اینکه بیش از ۴۰ درصد خودروهای نو مراجعه کننده رد شدند، جای بسی تامل دارد. با وجود اینکه سهم موتورسیکلت‌ها در آلودگی‌های موجود بالاست اما صاحبان موتورسیکلت الزامی برای داشتن برگ معاینه فنی ندارند. براساس قانون هوای پاک ضرورت دارد همان گونه که استانداردهای هشتاد و پنج گانه برای ماشین‌ها الزامی شده شرکت‌های موتورسیکلت‌ساز نیز ملزم به رعایت استانداردها شوند؛ این در حالی است که الزام استاندارد یورو ۵ برای موتورسیکلت‌ها تعلیق شده و به ۱۴۰۳ محول شد.

تعویق الزام استانداردها

رئیس فراکسیون محیط‌زیست مجلس شورای اسلامی با اشاره به آلایندگی وسایل نقلیه کشور گفت: براساس مصوبات و قوانین سنوات گذشته مقرر شده بود که از ابتدای سال ۱۳۹۴ استاندارد آلایندگی خودروهای بنزینی تولید داخل به یورو ۵ ارتقا یابد. این در حالی است که از آن سال تا به حال به بهانه‌های همیشگی مانند کیفیت سوخت، تحریم و... ارتقای استاندارد آلایندگی هر سال به تعویق افتاده و پس از ۵ سال از ابتدای سال ۱۳۹۹ استاندارد آلایندگی یورو ۵ خودروهای بنزینی اجرایی شد. سمیه رفیعی در گفت‌وگو با ایسنا افزود: خودروهای دیزلی تولید داخل نیز که از سال ۱۳۹۶ با استاندارد یورو ۴ به همراه فیلتر ذرات و یا یورو ۵ با EEV تولید می‌شوند، هیچ ارتقایی نیافته‌اند در حالی که خودروهای دیزلی به‌ویژه اتوبوس‌ها به‌دلیل حجم ترددهای برون‌شهری و درون‌شهری در افزایش ذرات معلق هوا نقش بسزایی ایفا می‌کنند. نماینده مردم تهران در مجلس درباره سهم آلایندگی موتورسیکلت‌ها گفت: موتورسیکلت‌های تولید داخل نیز قرار بود از ابتدای سال ۱۴۰۰ به استاندارد آلایندگی یورو ۵ ارتقا یابند که به‌دلیل درخواست تولیدکنندگان این موضوع باز هم ۳ سال دیگر به تعویق افتاد. به‌گفته رئیس فراکسیون محیط‌زیست مجلس مصوبه دولت در تعویق اجرای استانداردهای زیست‌محیطی وسایل نقلیه در تضاد آشکار با متن صریح قانون هوای پاک است. وسایل نقلیه تولید داخل اعم از خودرو و موتورسیکلت چقدر می‌توانند تست‌های آلایندگی را در ابتدا سال ساخت بگذرانند؟ الزام نبودن معاینه فنی موتورسیکلت‌ها چقدر به اجرای قانون هوای پاک آسیب زده و هزینه‌های سربار را افزایش داده است؟

سهل‌انگاری در تولید موتورسیکلت



محسن ابوالمعصومی، مدیر فنی یکی از آزمایشگاه‌های موتورسیکلت درباره الزام استانداردها در موتورسیکلت به صمت گفت: مراکز آزمایشگاهی در حوزه موتورسیکلت، سمپل‌ها را مورد آزمون قرار می‌دهند که با استانداردهای روز مطابقت دارد اما اینکه در واقعیت چه اتفاقی می‌افتد باید از طریق مراکز معاینه فنی پیگیر موضوع بود که متاسفانه برای موتورسیکلت الزامی نیست. وی افزود: در حال‌حاضر داده‌ای از شرایط موجود موتورسیکلت‌ها در دست نیست و برای مجوز تولید تست‌های TA (تایید نوع) انجام و پس از تایید، مجوز تولید صادر می‌شود. در ادامه نمونه‌برداری ادواری انجام می‌شود که از سوی سازمان ملی استاندارد و سازمان ملی حفاظت محیط‌زیست، نمونه‌ها انتخاب و تست می‌شوند تا تطابق تولید (TOP) هم به‌طور سالانه انجام شده باشد. این کارشناس حوزه تست موتورسیکلت در پاسخ به این پرسش که ممکن است موتورسیکلتی آزمون‌ها را در آزمایشگاه‌ها پاس کند اما در مراکز معاینه فنی با مشکل فنی و کیفیت مواجه شود، گفت: تجهیزات اندازه‌گیری در آزمایشگاه‌ها به‌روز هستند اما جواب قطعی در این‌باره را باید کارشناسان معاینه فنی اعلام کنند. همان‌طور که آمد، تست معاینه فنی موتورسیکلت در کشور الزامی نبوده و گزارشی در این‌باره وجود ندارد.

دوگانه‌نگری خودرویی



پس از ممنوعیت تولید موتورسیکلت کاربراتوری آمار تولید دچار افت شد. با افزایش قیمت موتورسیکلت این امر تشدید شده و صاحبان موتورسیکلت‌های قدیمی و کاربراتوری به‌جای تعویض ترجیح می‌دهند با تعمیر و تعویض قطعات موتورسیکلت، هزینه دوباره برای موتورسیکلت نداشته باشند. حتی کسانی که به ضرورت حرفه‌ای خود نیاز به خرید دارند مبادرت به خرید موتورسیکلت کارکرده می‌کنند. در شرایط فعلی آلودگی هوا یکی از پرسش‌های ضروری این است که چرا این حجم موتورسیکلت فرسوده در سطح کشور تردد دارند و نهادی معترض آن نمی‌شود؟ محمدجواد شریفی، کارشناس حوزه معاینه فنی درباره وضعیت استانداردی موتورسیکلت‌های تولید داخل به صمت گفت: در حال حاضر تست معاینه فنی موتورسیکلت در کشور انجام نمی‌شود. به‌طور قطع، اگر این امر الزامی شود بخش زیادی از موتورسیکلت‌ها از آزمون فنی رد خواهند شد. همچنین در شرکت‌های خودروساز کنترل کیفیت از سوی سازندگان الزامی است اما در واحدهای تولیدی موتورسیکلت این امر با جدیت دنبال نمی‌شود. وی افزود: شرکت‌های تولیدکننده، آزمونی ساده با دستگاه‌هایی ابتدایی انجام می‌دهند که نمی‌تواند خیلی قابل اعتماد باشد. در حالی که نیاز است هر وسیله نقلیه هر ۶ ماه به مراکز معاینه فنی مراجعه کند. توجیه ندارد یک وسیله نقلیه تولید شود اما پس از ۴ سال الزام شود به مراکز معاینه فنی مراجعه کند. او به گلایه عنوان کرد: چگونه خودروسازان هنگام خرید به مشتریان اعلام می‌کنند پس از هزار کیلومتر تردد، لازم است خودرو دوباره از سوی کارشناسان فنی این شرکت‌ها مورد آزمون قرار گیرد اما در قانون الزام معاینه فنی این الزام ۴ سال پس از ساخت لحاظ شده است. همان گونه که پزشکان توصیه می‌کند هر فرد هر ۶ ماه چکاپ داشته باشد این امر برای وسایل نقلیه در حال تردد هم ضروری است.

▣ تردد آلاینده‌ها بدون مزاحمت

بنا بر نظر کارشناسان حوزه محیط‌زیست بخش زیادی از آلودگی موجود در هوا مربوط به موتورسیکلت است؛ از این‌رو در حالی که کشوری مانند چین همچنان موتورسیکلت کاربراتوری تولید می‌کند، در ایران ممنوع شد. شریفی در پاسخ به این پرسش که چرا معاینه فنی برای موتورسیکلت الزامی نمی‌شود، گفت: براساس آمار اعلام شده حدود ۱۲ میلیون موتورسیکلت در کشور تردد دارند که عدد بزرگی است. در قانون هوای پاک آمده موتورسیکلت‌ها باید هر سال برای تست فنی به مراکز معاینه فنی مراجعه کنند اما این قانون هرگز اجرا نشده است. از سوی دیگر، چون پذیرش‌ها آنلاین نیست، آماری از تعداد مراجعات موتورسیکلت به مراکز معاینه فنی کشور در دست نیست و همین امر حاکی از جدی نبودن موضوع برای نهاده‌های ذی‌ربط است. این کارشناس حوزه معاینه فنی تصریح کرد: برای الزام معاینه فنی موتورسیکلت‌ها باید مراکز آن همچون خودرو به سامانه سیمفا متصل باشد. امروز برای گزارش از تعداد مراجعات موتورسیکلت به مراکز معاینه فنی باید به تک به تک مراکز تماس گرفته و به این شکل آمار احصا شود.

▣ خلأ برخورد جدی

شریفی در ادامه سخنان خود عنوان کرد: برای اجرای قانون هوای پاک و حرکت شرکت‌های موتورسیکلت به سوی رعایت الزامات فنی در موتورسیکلت، ضرورت دارد معاینه فنی آنها الزامی شود. در این‌باره متولیان از سازمان حفاظت محیط‌زیست گرفته تا پلیس باید با جدیت اقدامات لازم را انجام دهند تا تکلیف این حجم موتورسیکلت کاربراتوری در حال تردد روشن شود. این کارشناس خودرو در پاسخ به این پرسش که این الزام باید از سوی چه نهادی باشد، گفت: در قانون هوای پاک به صراحت ضروری بودن معاینه فنی برای خودروها اعم از ماشین و موتورسیکلت آمده که مجری آن وزارت کشور است. وی اظهار کرد: زیرساخت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مهیاست و نیروی انسانی موردنیاز وجود دارد اما متاسفانه جدیتی در انجام کار دیده نمی‌شود. تعداد موتورسیکلت‌ها در مقابل خودروها و میزان آلودگی ناشی از آنها، آمار نگران کننده‌ای است.

▣ فرسوده‌های در محاق

عیسی کلانتری، رئیس اسبق سازمان حفاظت محیط‌زیست در مصاحبه‌ای که با صمت داشت به آمار وسایل نقلیه فرسوده کشور اشاره کرده و در این‌باره گفته بود «۸۷ درصد مینی‌بوس‌ها، ۸۱ درصد موتورسیکلت‌ها، ۷۳ درصد اتوبوس‌های درون‌شهری، ۶۰ درصد کامیون‌ها، ۵۸ درصد تاکسی‌ها، ۴۴ درصد اتوبوس‌های برون‌شهری، ۲۷ درصد وانت‌ها و ۴ درصد سواری‌های کشور اسقاطی بوده که ۸۰ درصد خود این سواری‌ها هم غیراستاندارد هستند. با این حجم از وسایل نقلیه اسقاطی طبیعی است هوای سالم نداشته باشیم. شما در هیچ جای جهان، چنین آماری نمی‌بینید. این آمار نشان از یک فاجعه برای هوای پاک کشور دارد. این ناوگان فرسوده اگر بهترین بنزین‌های جهان را هم مصرف کند، باز هم آلایندگی بالایی دارد.» در بخشی دیگر از سخنان کلانتری آمده، حدود ۱۲ میلیون موتورسیکلت در کشور تردد دارند که از این تعداد، ۹ میلیون و ۵۰۰ هزار موتورسیکلت فرسوده هستند. گویا پس از این آمار، گزارش جدیدی از حجم وسایل نقلیه فرسوده به‌ویژه موتورسیکلت منتشر نشده است. مهر سال ۹۹ موتورسیکلت‌سازان ملزم شدند به‌ازای تولید یک موتورسیکلت بنزینی یک موتورسیکلت فرسوده را از چرخه مصرف خارج کنند که این الزام هم به کما رفت و برگه اسقاط خودرو جایگزین آن شد؛ بنابراین همچنان حجم زیادی موتورسیکلت کاربراتوری بالای ۷ سال ساخت، در حال بلعیدن اکسیژن هوا هستند. شریفی با بیان اینکه قانون برای الزام رعایت استانداردها و معاینه سالانه این استانداردها وجود دارد، گفت: همچون بیشتر موارد، قانون در اجرا دچار مشکل بوده و مجری این امر با کمک پلیس راهور باید طرح را به انجام برساند.

او گفت: در شرایط فعلی باید سازمان حفاظت محیط‌زیست اعلام کند شاخص آلایندگی هوا بسیار بالا بوده و با تایید سازمان ملی استاندارد که موارد موردنیاز استاندارد تدوین شده، موضوع در اجرا پیگیری شود. همان گونه که در سال‌های ۸۷ برگه معاینه فنی برای صاحبان خودرو الزامی شد همین سیاست باید برای موتورسیکلت نیز انجام شود؛ اما برنامه‌ای که پلیس در برخورد با خودروهای بدون معاینه فنی دارد برای موتورسیکلت اجرایی نکرده است. همان گونه که اگر صاحبان موتورسیکلت مدارک لازم را نداشته باشند، پلیس موتورسیکلت آنها را توقیف می‌کند، باید موتورسیکلت‌های بدون معاینه فنی را نیز متوقف کند. تردد موتورسیکلت‌های دچار مشکل فنی هم برای راکب و هم عابر پیاده، خطرآفرین است در حالی که خطر خودرو دارای نقص فنی بیشتر برای عابر پیاده است.

سخن پایانی

در حال حاضر، میلیون‌ها موتورسیکلت کاربراتوری و فرسوده در سطح شهرهای کشور بدون هیچ مزاحمتی تردد دارند و خلأ معاینه فنی آنها آماری از کیفیت نوشماره‌ها در اختیار نهادهای مربوطه قرار نمی‌دهد. ضرورت دارد سیاست‌هایی که در حوزه استاندارد و کیفیت خودروهای تولید داخل پیاده شده برای ساخت و مونتاژ موتورسیکلت‌ها هم لحاظ شود.

یادداشت



شرایط تداوم جوامع بشری

سیدحسین آقاسیدمرتضی
عضو هیات علمی دانشگاه علمی کاربردی

یکی از الزامات امروز کشور برای رسیدن به توسعه‌یافتگی، چابک‌سازی قوانین در سایه پایش دقیق و کارشناسانه آنها بوده و تنها با این شرایط است که می‌توان مسیر توسعه اقتصادی را تسهیل و حرکت کند و کرخت کشور به سمت توسعه‌یافتگی اقتصادی را تسریع کرد.

موضوع اقتصاد یکی از مهم‌ترین ارکان حفظ و تداوم جوامع بشری است که توسعه‌یافتگی آن می‌تواند نقش بسزایی در رضایت اجتماعی، بهبود شاخص‌های زندگی، ارتقای امنیت روانی و جغرافیایی و همچنین اقتدار سیاسی کشورها داشته باشد. به همین دلیل این موضوع باید بیش از پیش موردتوجه مسئولان قرار بگیرد.

از سوی دیگر، روند حرکتی جوامع مدنی باید به شکلی باشد که تمام امور در بستر قانون و قانونمندی شکل بگیرند و توسعه بیابند؛ بنابراین برای هر اقدامی در حوزه اقتصاد نیز قانون‌مداری یک اصل است. با این نگاه می‌توان ادعا کرد که هیچ اقتصادی بدون توجه به قانون و پیش از آنکه ارکان آن به قانون تبدیل شده باشند، توسعه‌نیافته و نخواهد یافت. به عبارت بهتر، تمام رویکردهای اقتصادی یک کشور باید به شکل قانون مصوب بالاترین نهادهای قانون‌گذاری آن کشور باشد تا همه نهادهای حاکمیتی اعم از تصمیم‌ساز، تصمیم‌گیر، اجرایی و حتی نظارتی در چارچوب مشخصی حرکت کنند؛ بنابراین می‌توان قانون را زیربنای هر تحولی در اقتصاد دانست.

در جامعه ایرانی نیز در طول دهه‌های متوالی، مجلس شورای اسلامی در دوره‌های مختلف تلاش بر قانون‌گذاری درست در حوزه اقتصاد داشته و تقریبا برای رفع هر مشکل یا جلوگیری از هر چالشی یک قانون به تصویب رسیده است. اما نکته مهم عدم‌پایش قوانین است که همین عامل سبب‌شده در حال حاضر اقتصاد کشور با انباشت قوانین مواجه باشد؛ قوانینی که نه‌تنها در بسیاری موارد سنخیت و ارتباط معناداری با یکدیگر ندارند، بلکه بعضا در تضاد با هم هستند، به‌طوری که زمینه رانت را فراهم کرده‌اند و افراد سودجو می‌توانند با استناد به یک قانون که بر مبنای اقتضائات گذشته به تصویب رسیده، به رانت اقتصادی دست پیدا کند. این موضوعی بسیار مهم است که به‌خوبی بیانگر ضعف‌های موجود در کشور در حوزه قانون‌گذاری است.

از سوی دیگر، قوانین مازاد باعث کرختی و لختی حوزه اقتصاد شده‌اند. این قوانین برای فعالان واقعی بازار تولید و صادرات عملا دست و پاگیر و برای سودجویان زمینه‌ساز رانت و فساد است. این در حالی است که اقتصاد به‌عنوان موتور محرک یک جامعه انسانی، نیازمند قوانین شفاف و چابک و صدالبته به‌روز است، چراکه تنها در صورت چابکی و البته شفافیت قوانین است که چالش‌های تولید، صادرات و واردات، یک‌بار برای همیشه رفع می‌شوند و دیگر هیچ نهادی با هیچ قدرتی نمی‌تواند در این ۳ رأس مثلث اقتصاد کشور که هر ۳ بر بستر بازار فعال هستند، اعمال‌نفوذ کند و نظم موجود را به نفع منافع خود یا برای پوشش نقاط ضعف، بر هم بزند.

در سال‌های اخیر بارها و بارها دیده شده که محصولی به‌طور مازاد تولید انبوه شده تا جایی که قیمت آن حتی در بازار داخلی به کمتر از قیمت تمام‌شده افت کرده یا ممنوعیت صادرات باعث اشباع یک کالا در بازار داخلی شده است. در برخی موارد نیز بازار با کمبود اقلام اساسی مواجه بوده و مجبور به واردات بی‌رویه شده است درحالی‌که توان و ظرفیت تولیدی به‌اندازه کافی و به‌وفور در کشور وجود داشته است. چابک‌سازی قوانین می‌تواند به‌راحتی همه این بی‌نظمی‌ها را که هر کدام نقش اساسی در بروز مشکلات جدی در اقتصاد را داشته‌اند، ساماندهی و نهادهای اجرایی، نظارتی و بخش خصوصی را به حرکت در ریل منطق و قانون ملزم کند.

بنابراین می‌توان ادعا کرد که یکی از الزامات امروز کشور برای رسیدن به توسعه‌یافتگی، چابک‌سازی قوانین در سایه پایش دقیق و کارشناسانه آنها بوده که تنها با این شرایط است می‌توان مسیر توسعه اقتصادی را تسهیل و حرکت کند و کرخت کشور به سمت توسعه‌یافتگی اقتصادی را تسریع کرد.

